



عکس: leader.ir

با ارائه تحلیلی تاریخی از مواجهه دولت آمریکا با ایران و ماجرای تسخیر سفارت

رهبری: در پی تکرار کودتای ۲۸ مرداد بودند

ملعون صهیونیستی به‌طور کامل قطع و پایگاه‌های نظامی خود را از منطقه جمع‌آوری کند و در امور آن نیز دخالت نکند، درخواست آمریکایی‌ها برای همکاری با ایران نه در آینده نزدیک بلکه برای بعدها، قابل بررسی خواهد بود.

رهبری همچنین تأکید کردند: «علاج بسیاری از مشکلات و مصونیت بخشی به کشور فقط از راه قوی شدن و قوت مدیریتی، علمی، نظامی و انگیزه امکان‌پذیر است و دولت در بخش‌های مربوط

گروه خبر: آیت‌الله خامنه‌ای دیروز در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان و جمعی از خانواده‌های شهدای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، سالروز تسخیر سفارت آمریکا در سیزدهم آبان سال ۱۳۵۸ را روز «افتخار و پیروزی» و روز «روشن شدن هویت حقیقی دولت استکباری آمریکا» خواندند و تأکید کردند: «اختلاف جمهوری اسلامی و آمریکا، اختلافی ذاتی و تقابل منافع دو جریان آمریکا و جمهوری اسلامی است و تنها در صورتی که آمریکا پشتیبانی خود را از رژیم

پرهیز از مذاکره با ایجاد رابطه حتی در دولت اوباما به وضعیت فعلی انجامیده ۱۳ آبان به عنوان متهم اصلی انگاشته می‌شود و این همان رویکردی است که در سال‌های اخیر براندازان هم به آن دامن زده‌اند و همه را به یک چوب می‌رانند چون تاریخ را از جلو به عقب می‌خوانند!

مخالفان چه می‌گویند؟

به گروگان گرفتن دیپلمات‌های خارجی که با اجازه کشور میزبان در حال فعالیت‌اند خلاف عرف دیپلماتیک است و نظام بین‌الملل چنین رفتاری را نمی‌پذیرد و ایران را به جای تعامل به تقابل کشاند.

چنانچه دولتی از عملکرد دیپلمات‌های سفارتخانه‌ای ناراضی باشد و فعالیت آنها را در مظان جاسوسی بداند آنان را «عنصر نامطلوب» تشخیص می‌دهد و اخراج می‌کند یا حتی روابط خود را با آن کشور کاهش داده یا قطع می‌کند. از این منظر هیچ دولت و حکومتی وارد عملیات گروگان‌گیری نمی‌شود و چنانچه گروهی دست به این اقدام زند برای حل و فصل موضوع می‌کوشد و خود جانب حمایت را نمی‌گیرد. در جریان این واقعه اما کل ساختار جدید سیاسی از اقدام دانشجویان حمایت کرد و مسئولیت آن متوجه تمامیت جمهوری اسلامی شد.

اشغال سفارت آمریکا در تهران موقعیت جیمی کارتر رئیس‌جمهوری وقت و دموکرات‌ها را به شدت تضعیف کرد و در روی کار آمدن بعدی تندروها و مشخصاً رونالد ریگان موثر بود.

ابراهیم یزدی و محمد منتظری دو نماینده شاخص مجلس اول شورای اسلامی اصرار داشتند موضوع گروگان‌ها در دوره کارتر حل و فصل شود تا از آن به عنوان برگ برنده در دوره دوم استفاده کند اما به عکس آن قدر ادامه یافت تا دقیقاً هنگامی که رونالد ریگان سوگند یاد می‌کرد گروگان‌ها در فرودگاه فرانکفورت تحویل آمریکایی‌ها شدند و به جای تمدید ریاست‌جمهوری کارتر که نگاه مثبتی هم به حل قضیه فلسطین داشت کاخ سفید در اختیار جمهوری‌خواهان قرار گرفت آن هم نه چهار سال که ۱۲ سال چون بعد از ریگان نوبت به معاون او - بوش پدر - رسید.

انقلاب ایران با هر سه وجه استعمار، استبداد و استثمار سر ستیز داشت اما با اشغال سفارت وجه ضد استعماری غلبه کرد و جنبه‌های ضداستبدادی و ضداستثماری در مرتبه بعد اهمیت قرار گرفت. به بیان دیگر شعارهای دموکراتیک در محاق رفت.

گفتمان چپ غلبه یافت و پاره‌ای اصطلاحات مانند «لیبرال» به یک ناسزا یا انگ سیاسی بدل شد. هر چند دانشجویان بر مسلمانی و پیروی خود از خط امام تأکید می‌کردند

به خود باید کارها را با قوت انجام دهد». آیت‌الله خامنه‌ای در تحلیل رخداد ۱۳ آبان ۱۳۵۸ گفتند: «تسخیر سفارت آمریکا به دست جوانان از دوزاویه تاریخی و هویتی قابل بررسی است». ایشان از زاویه تاریخی، خاطرنشان کردند: «در تاریخ ایران، هم روزهای پیروزی و هم روزهای ضعف و اضمحلال وجود دارد که هر دو باید در حافظه ملی محفوظ بماند».

آیت‌الله خامنه‌ای از ماجرای لغو قرارداد استعماری تنباکو به

و از هدایت سیدمحمد موسوی خوئینی به عنوان روحانی مورد وثوق و تأیید رهبر فقید انقلاب برخوردار بودند اما عملاً ادبیات چپ در همه عرصه‌ها رواج یافت و انقلاب ایران را که با لطافت و نرمی شناخته می‌شد در اذهان جهانیان، تند نشان داد و شعار مرگ بر آمریکا هم اضافه شد.

نخستین انتخابات ریاست‌جمهوری تاریخ ایران اندک زمانی پس از اشغال سفارت برگزار شد و این واقعه بر آن انتخابات هم سایه انداخت. به گونه‌ای که مهندس مهدی بازرگان نخست‌وزیر دولت موقت که در روز ۱۳ آبان استعفا کرده بود از صرافت کاندیداتوری افتاد و افشاگری دانشجویان علیه درباردار احمد مدنی ۲۴ ساعت قبل از انتخابات بر آرای مهم‌ترین رقیب ابوالحسن بنی‌صدر تأثیر گذاشت.

به عبارت دیگر بنی‌صدر پشت سر هم شانس آورد. با منع روحانیون از کاندیداتوری به دستور امام خمینی کاندیداتوری آیت‌الله بهشتی منتهی شد. مسعود رجوی به خاطر رای ندادن به قانون اساسی حذف شد.

با اعلام افغان‌تبار بودن جلال‌الدین فارسی کاندیدای دیگر حزب هم از گردونه خارج شد. دورقیب محتمل و در صحنه (بازرگان و مدنی) هم با اشغال سفارت منصرف شدند و با از آرایشان کم شدند. کم نیستند کسانی که بر این باورند که اگر بازرگان به ریاست‌جمهوری رسیده بود مسیر دیگری پیش رو قرار می‌گرفت و تنش‌های بعدی پدید نمی‌آمد. رای بالای بازرگان در مجلس اول نشان داد بر خلاف تحلیل جناح چپ نهضت آزادی بازرگان بخت داشته است و اگر او رئیس‌جمهوری می‌شد اتفاقات سال ۱۳۶۰ داشته‌ها چه‌بسا اجتناب‌ناپذیر بود و شاید جنگ هم آن قدر ادامه نمی‌یافت.

یکی از تبعات اشغال سفارت، افشاگری‌هایی بود که بعضاً اسباب گرفتاری افرادی را فراهم ساخت و در مواردی قطعاً توأم با اخلاق نبود. مانند اتهاماتی که به مرحوم دکتر ناصر میناچی از پایه‌گذاران حسینیه ارشاد وارد ساختند. طنز تلخی است که دانشجویانی که شیفته آرای دکتر علی شریعتی بودند دوست و حامی او در حسینیه ارشاد را آزدردند.

سفارت آمریکا در تهران هنگامی تصرف شد که مهم‌ترین موضوع سیاسی کشور روند تدوین و تصویب قانون اساسی جدید بود. این واقعه اما سبب شد که آن موضوع کاملاً تحت‌الشعاع قرار گیرد. همه‌پرسی قانون اساسی دو روز بعد از عاشورای سال ۱۳۵۸ (آذرماه) در حالی برگزار شد که در محافل سیاسی و جامعه آن قدر که درباره «لانه جاسوسی» بحث می‌شد از قانون اساسی گفته نمی‌شد.

به اکنون نگاه نکنید که همه درباره قانون اساسی اطلاعات فراوانی دارند. در سال ۵۸ به خاطر فضای بعد از اشغال سفارت بحث چندانی درباره تغییرات گسترده در پیش‌نویس قانون

وسيله ميرزای شيرازی و يا ابطال قرارداد وثوق الدوله و فائق آمدن بر انگلیس با تلاش مرحوم مدرس و ياران ایشان به‌عنوان «مصادیقي از روزهای اوج و حوادث شیرین» معاصر یاد کردند و گفتند: «در کنار ضبط و نگهداشت وقایع شیرین، باید مراقب باشیم وقایع تلخی همچون کودتای سال ۱۲۹۹ انگلیسی‌ها به وسیله رضاخان و سپس رسیدن او به پادشاهی و شکل‌گیری آن فجایع، سختی‌ها، استبداد و دیکتاتوری بی‌نظیر و تسلط خارجی بر کشور نیز فراموش نشود». ایشان «ثبت ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و تسخیر سفارت آمریکا در تاریخ و حافظه ملی و اطلاع‌یابی مردم از آن» را ضروری برشمردند و در بیان جنبه هویتی این رخداد گفتند: «تسخیر سفارت، هویت حقیقی دولت ایالات متحده آمریکا و همچنین هویت واقعی و ذات انقلاب اسلامی را روشن کرد».

رهبری با اشاره به ریشه قرآنی کلمه «استکبار» آن را به معنی خودبرتربینی خواندند و گفتند: «گاهی فرد یا دولتی خود را برتر می‌داند اما به منافع دیگران دست‌اندازی نمی‌کند که در این صورت باعث برانگیختن دشمنی نمی‌شود؛ اما گاهی همچون دولت انگلیس در دوره‌ای و امروز آمریکا، به خود حق می‌دهد با دست‌درازی به منافع حیاتی ملت‌ها برای آنها تعیین تکلیف کند یا در کشوری که دولت قوی و مردم هوشیاری ندارد برای خود پایگاه‌های نظامی ایجاد کند و یا نفت و منابع ملت‌ها را غارت کند که این همان استکباری است که ما با آن خصومت داریم و علیه آن شعار می‌دهیم».

ایشان در بیان «سابقه خصومت آمریکا با ملت ایران» گفتند: «پس از مشروطه برای حدود ۴۰ سال، ایران یا درگیر هرج‌ومرج و آشفتگی بود یا دست‌اندازی دولت‌های بیگانه و با استبداد خشن و دیکتاتوری بی‌رحم رضاخان مواجه بود تا اینکه در حدود سال ۱۳۲۹ به لطف خدا، دولت ملی مصدق در کشور روی کار آمد که در مقابل انگلیسی‌ها ایستاد و توانست نفت کشور را که تقریباً مفت در اختیار آنها بود ملی کند». آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به «توطئه‌های انگلیس و همراهان آن برای از کار انداختن دولت مصدق، ساده‌اندیشی و غفلت او در کمک خواستن از آمریکا برای رهایی از شر انگلیس» را یادآور شدند و افزودند: «آمریکایی‌ها به مصدق لیخنه زدند؛ اما از پشت با همدستی انگلیسی‌ها کودتا را انداختند و با ساقط کردن دولت ملی، شاه فراری را به ایران بازگردانند». ایشان سرنگونی دولت ملی را «ضربه‌ای سخت به ملت ایران» خواندند و افزودند: «ملت ما، آمریکا و خوی استکباری و خطر آن را با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شناخت و پس از کودتا و بازگشت شاه نیز ۲۵ سال دیکتاتوری سخت و خشن محمدرضا با پشتیبانی و کمک آمریکا تداوم یافت». رهبری نخستین مواجهه آمریکا با انقلاب اسلامی را «مصوبه خصمانه مجلس سنای آمریکا» خواندند و با اشاره به «برانگیخته شدن خشم عمومی

اساسی درنگرفت.

به لحاظ مالی و اقتصادی نیز اموال ایران در آمریکا بلوکه شد. ایران در حساب‌های مربوط به خریدهای هنگفت نظامی در دوران شاه پول داشت و آمریکا باید پس می‌داد اما به این بهانه طفره رفت و در واقع تصرف کرد!

دانشجویان ایرانی که در آمریکا تحصیل می‌کردند با مشکلات جدی روبه‌رو شدند و کثیری از محصلین ایرانی که می‌توانستند به بهترین دانشگاه‌های آمریکا راه یابند تا مدت‌ها از این امکان محروم شدند و روند بازگشت فارغ‌التحصیلان نیز کند شد و بسیاری ماندگار شدند.

پس از ۱۲ آبان بود که آمریکا دست به تحریم‌های محدود ایران زد. هرچند آن تحریم‌ها با تحریم‌های فلج‌کننده نفتی و بانکی به خاطر پرونده هسته‌ای هرگز قابل قیاس نیست اما به هر حال تنگناهایی ایجاد کرد.

با این‌همه توافق هسته‌ای در دولت روحانی که با مشارکت آمریکا صورت پذیرفت تلاشی برای مسیر تازه بود اما در پی روی کار آمدن ترامپ و خروج آمریکا از برجام و به‌دنبال آن تشدید و بازگشت تحریم‌ها انگاره‌های امکان مذاکره و رابطه رنگ باخت. تا جایی که همان رفتار با حمله به ایران و جنگ ۱۲ روزه و نیمه‌تمام ماندن مذاکرات تکرار شد.

بدین ترتیب بار دیگر استدلال موافقان اشغال چربید که اگر هم آن اقدام صورت‌نپذیرفته‌بود، آمریکا‌زاد در دوستی در نمی‌آمد و به‌دو بار مذاکره در دولت روحانی (منجر به توافق) و پزشک‌یکان (نیمه‌تمام و ناگهان جنگ و حمله به تأسیسات هسته‌ای) استناد می‌کنند و می‌توان آنها را بار دیگر از این قرار مرور کرد.

▼ موافقان چه می‌گویند؟

اشغال سفارت تنها برای ۴ روز و نه ۴۴۴ روز طراحی شده بود. با این تصور که دولت موقت وساطت می‌کند و آمریکا هم قول می‌دهد عذر شاه را بخواهد و اگر مسترد نمی‌کند اخراج کند و برخی از دیپلمات‌ها که در ایستگاه سی‌ا فعالیت داشتند نیز اخراج شوند و قضیه به پایان رسد. اما با استعفاي دولت موقت و حمایت و تأیید صریح امام خمینی از اقدام دانشجویان و توصیف رهبر فقید انقلاب -«انقلابی بزرگ‌تر از انقلاب اول»- موضوع تغییر کرد و مسئولیت این توسعه و تعمیم به دانشجویان نیست.

کابوس یک کودتا مانند ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سابقه بد آمریکا در این زمینه انگیزه اصلی با هدف پیش‌گیری واقعه قبل از وقوع بوده است. کما این که داریوش همایون از رجال فرهنگی سیاسی دوران شاه در کتاب خاطرات خود می‌گوید پس از پیروزی انقلاب به حال اختفا به سر می‌برده اما خبر اشغال سفارت آمریکا را که می‌شنود از برافتادن جمهوری اسلامی مأیوس می‌شود و خروج و فرار را لازم می‌بیند. او